

اهمیت ژئوپلیتیکی جزیره‌های سه‌گانه و تنگه هرمز

وحید نوری - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)

دیباچه:

همان‌گونه که از عنوان این نوشتار برمی‌آید، بررسی موقع ژئوپلیتیکی سه جزیره ایرانی در خلیج فارس مورد نظر است. پس نخست لازم است به تعریف جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیک) پردازیم. جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی یا ژئوپلیتیک دو مبحث از یک موضوع است که به بررسی نقش قدرت سیاسی در محیط جغرافیایی می‌پردازد. (مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

به سخن دیگر، نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل تنها به گرایشها، افکار و باورهای اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن کشور بستگی ندارد، بلکه زمینه فعالیت و قدرت آنها تا اندازه زیادی وابسته به جغرافیای کشورشان است. (عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۹، ص ۱)

در جغرافیای سیاسی، اثر انسان بر پدیده‌هایی چون موقعیتها، مرزها، سرزمینها، ملتها و منطقه‌ها بررسی می‌شود و به سخن دیگر، موضوع جغرافیای سیاسی را می‌توان «بررسی چگونگی اثرگذاری تصمیمات سیاسی زمامداران در محیط جغرافیایی» دانست، مانند اثر تقسیمات سیاسی کشور و مرزبندیهای سیاسی بر پهنه جغرافیایی؛ ولی ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی را در نگاهی کلی می‌توان «بررسی چگونگی اثرگذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری سیاسی زمامداران» دانست، مانند ارزیابی نقش عوارض و موقعیت‌های جغرافیایی و منابع طبیعی در برنامه‌ریزیهای مربوط به پیشبرد هدفهای سیاسی. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰)

به سخن دیگر، جغرافیای سیاسی از

نقش آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چارچوب کشور سخن می‌گوید، ولی ژئوپلیتیک از نقش آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چارچوب مفهوم قدرت. (همان: ۲۱) از سوی دیگر، ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی در مراحل کاربردی در امتداد هم قرار دارند. با توجه به این اصل که سیاست خارجی یک کشور هنگامی طبیعی و حقیقی است که دنباله زندگی سیاسی و سیاستهای داخلی آن کشور باشد، جغرافیای سیاسی کشور شکل‌دهنده زندگی سیاسی - اقتصادی و منافع ملی است و سیاست خارجی، در پیگیری همان منافع در صحنه‌های فراملی جنبه‌ای ژئوپلیتیک (سیاست جغرافیایی) به خود می‌گیرد. (همان: ۲۱)

برای نمونه، از آن رو که زندگی اقتصادی ایران بر استخراج نفت و گاز و فروش آن از راههای دریایی خلیج فارس استوار است، امنیت انرژی و بازرگانی از راه خلیج فارس از عناصر اصلی سازنده سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود و جغرافیا و جایگاه ایران در خلیج فارس، این آبراه را به دروازه ورود ایران به صحنه بازیهای سیاسی منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌کند. (همان: ۲۱)

جغرافیدانان سیاسی بر این باورند که قدرت، سخت از عوامل محیط جغرافیایی یا همان سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیک) اثر می‌پذیرد و این اندیشه‌ای تازه نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد. (عزتی، ۱۳۷۹: ۲) پس یکی از عوامل بسیار مهم قدرت ایران در منطقه و جهان، خلیج فارس و بویژه کرانه‌ها و جزیره‌های آن است. جغرافیای سیاسی ایران در منطقه خلیج فارس تا اندازه بسیار زیادی برآمده از ژئوپلیتیک جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) است. در زیر اهمیت

آن ۶۸/۸ کیلومتر مربع است و جمعیت آن بر پایه آمارهای ۱۳۸۵، ۳/۸۳۳ تن برآورد شده است. تأسیسات جزیره عبارت است از: فرودگاه، یک موج شکن و اسکله‌ای کوچک برای پهلوگیری شناورهای سبک با آب‌خور محدود. جاده‌های کمربندی این جزیره آسفالت‌ه است. (صفوی، ۱۳۸۵: ۲۸)

ناهمواری خاک جزیره ابوموسی به سوی شمال افزایش می‌یابد و سرانجام به بلندترین نقطه جزیره به نام کوه حلوا که نزدیک به ۱۱۰ متر بلندی دارد می‌رسد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۳)

این جزیره، بوموسی، بوموف و گپ سبز نیز نامیده می‌شود. نام اصیل و تاریخی این جزیره همان بوموسی است که در متون تاریخی و جغرافیایی کهن و تازه دیده می‌شود. (همان: ۳۴)

۲) جزیره‌های تنب بزرگ و کوچک: جزیره‌های تنب بزرگ و کوچک در جنوب جزیره قشم، میان بندر لنگه و رأس الخیمه قرار دارد: تنب بزرگ از بندر لنگه ۵۰ کیلومتر و از کرانه‌های رأس الخیمه ۷۰ کیلومتر

○ جزیره‌های خلیج فارس از جمله جزیره بوموسی، بر پایه بند ۶ ستون نخست کتیبه بیستون، بخشی از استان پارس بوده است. بر سرهم، در دوران هخامنشیان همه کرانه‌ها و جزیره‌های خلیج فارس زیر فرمان ایران بوده و بخشی از خاک ایران شمرده می‌شده است.

در دوران ساسانیان، حکومت ایرانی بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس نیز بسیار استوار شد. بر پایه نوشته‌های طبری و یعقوبی، در آن دوران سراسر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از جمله عمان که در آن روزگار مازون خوانده می‌شده و نیز کناره‌های دریای سرخ و یمن زیر فرمان ساسانیان بوده است.

این جزایر را از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌کنیم. برای ایران امنیت تنگه هرگز از اهمیت ویژه برخوردار است، زیرا ایران گذشته از داشتن ارتشی نیرومند، می‌تواند از بندرهای استراتژیک خود در ازای این آبراه و نیز جزیره‌هایش که جایگاه خوبی در پیوند با تنگه هرمز دارند، امنیت این تنگه را به شایستگی تأمین کند. در دهانه خلیج فارس، ایران دارای چند جزیره استراتژیک است که در میان آنها «جزایر نازعات» یعنی هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی، برترین جایگاه استراتژیک را دارند و نخستین قوس دفاعی ایران را می‌سازند.

جایگاه تنگه هرمز:

تنگه هرمز آبراهی باریک است که دریای نیمه بسته خلیج فارس را از راه دریای مکران (عمان) به اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین‌المللی در دریای آزاد پیوند می‌دهد. گذشته از آن، این آبراه با جایگاه استراتژیک ویژه خود، شاه‌رگ اقتصادی غرب و نیز ژاپن در خاور دور به‌شمار می‌آید. (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳)

این تنگه کمابیش ۱۰۰ مایل درازا دارد و دنباله بلندیهایی جنوب ایران به سوی شبه جزیره مسندم را بریده است. در گذشته، هر کشوری که می‌خواست به این منطقه دست یابد، می‌کوشید سلطه خود را بر این آبراه نگهدارد. (همان: ۴)

جزیره‌های سه گانه ایرانی (ابوموسی و تنب‌ها) در دهانه این تنگه واقع شده‌اند و جایگاه ژئوپولیتیکی بسیار مناسبی دارند. اکنون نگاهی گذرا به جغرافیا و پیشینه این جزایر می‌اندازیم.

جغرافیای سیاسی جزیره‌های سه گانه:

۱) جزیره ابوموسی: این جزیره کمابیش در میانه آبهای خلیج فارس، بین بندر لنگه و بندر شارجه قرار گرفته و فاصله آن تا بندر لنگه ۶۷ کیلومتر و تا کرانه‌های شارجه ۶۴ کیلومتر است. جزیره ابوموسی کمی پایینتر از خط نیمساز خلیج فارس قرار دارد. اما با توجه به دیگر جزیره‌های ایران در خلیج فارس، دوری این جزیره از سرزمین مادر (ایران) کمتر از دوری آن تا شارجه است. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۳)

ژرفای آب در کناره‌های جزیره ۳/۷ متر و مساحت

بود. بر پایه بررسیها، از پنج هزار سال پیش از میلاد، جزیره بوموسی بخشی از ایران بوده است؛ ایلامیها همچنین جزیره بحرین را که در آن دوران ایلوون نامیده می شد، در دست داشتند. (همان: ۶۷)

هخامنشیان نیز به این منطقه توجه داشته اند. در آن هنگام، جزیره های خلیج فارس از جمله جزیره بوموسی، بر پایه بند ۶ ستون نخست کتیبه بیستون، بخشی از استان پارس بوده است. بر سرهم، در دوران هخامنشیان همه کرانه ها و جزیره های خلیج فارس زیر فرمان ایران بوده و بخشی از خاک ایران شمرده می شده است.

در دوران ساسانیان، حکومت ایرانی بر کرانه های جنوبی خلیج فارس نیز بسیار استوار شد. بر پایه نوشته های طبری و یعقوبی، در آن دوران سراسر کرانه های جنوبی خلیج فارس از جمله عمان که در آن روزگار مازون خوانده می شده و نیز کناره های دریای سرخ و یمن زیر فرمان ساسانیان بوده است.

پس از رسیدن اسلام به ایران نیز این مناطق همواره زیر فرمان حکومت های محلی یا ملی ایرانیان بوده است. با به قدرت رسیدن دودمان صفوی، بار دیگر سراسر کرانه ها و جزیره های خلیج فارس زیر فرمان ایران درآمد. شاه عباس توانست بحرین را پس از یک سده از دست پرتگالیها آزاد کند. همچنین، پس از دوران صفوی و در دوران نادر شاه نیز همه جزیره ها و کرانه های خلیج فارس حتماً عمان، مسقط و رأس الخیمه در دست ایران بود. در دوران زندیان نیز ایران بر این جزیره ها و کرانه ها فرمان می راند، ولی پس از درگذشت کریمخان و بروز آشفتگی در کشور، طایفه ای به نام قاسمی ها که از عرب های ساکن امارات عربی متحده کنونی بودند بر این جزیره ها دست انداختند و سالها آنها را زیر سلطه خود داشتند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۸۸)

در دوران قاجار، ایران کوشید با ایجاد نیروی دریایی و دگرگونی هایی در تقسیمات کشوری و نیز برقراری روابط دوستانه با شیخ های ابوظبی و دبئی، حاکمیت خود را بر این جزیره ها استوار و از جایگاه برتر خود در خلیج فارس پاسداری کند.

در آن هنگام آلمانیها و روسها در پی به دست آوردن پایگاهی در منطقه خلیج فارس برای گسترش بازرگانی

○ وزیر امور خارجه انگلیس در نامه مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۰ از لرد کرز نایب السلطنه هند خواست جزیره های ایرانی در تنگه هرمز مانند هنگام، هرمز، قشم، تنب و ابوموسی را اشغال کند و دلیل این کار را نیز کوشش روسها برای ایجاد پایگاه یا ایستگاه سوختگیری در بندر عباس عنوان کرد. امادر واقع، سلطه انگلیسیها بر جزیره های خلیج فارس تا ۱۹۷۱ و همزمان با فراهوانی نیروهایشان از خاور کانال سوئز و خلیج فارس ادامه داشت و در این سال بود که ایران بار دیگر حاکمیت خود را بر این سه جزیره اعمال کرد.

دور است و در بخش شمالی خط نیمساز خلیج فارس قرار گرفته، دایره شکل و بزرگی آن نزدیک به ۱۲ کیلومتر مربع است. (همان: ۳۴)

نامهای دیگر این جزیره گپ، تنب مار و تل مار است. واژه تنب یا تمپ واژه ای پارسی دری به معنای تیر است و چون در این جزیره مارهای سمی زندگی می کنند، آنرا تنب مار نامیده اند. (همان: ۳۵)

جزیره تنب کوچک در جنوب بندر لنگه و در باختر تنب بزرگ و نیز در بخش شمالی خط نیمساز خلیج فارس قرار دارد. دوری آن از بندر لنگه ۵۰ کیلومتر و از بندر رأس الخیمه ۹۲ کیلومتر است. بزرگی این جزیره نیز کمابیش ۲ کیلومتر مربع است.

پیشینه جزیره ها:

نشانه ها و اسناد تاریخی، گویای تعلق بی چون و چرای سراسر کرانه های شمالی خلیج فارس و جزیره های آن به ایرانیان است. ایلامیها از نخستین ایرانیان برخوردار از دستگاه حکومتی، به سبب نزدیک بودن شوش پایتخت خود به خلیج فارس، به این منطقه توجه ویژه داشتند. در این دوران دراز، افزون بر کرانه های شمالی، کرانه های جنوبی تا کناره دریای عمان و همه جزیره ها در این بخش، زیر فرمان ایلامیها

حکومت انگلیسی هند در همان سال این ادعاراراد کردند. (همان: ۹۹)

دولت عثمانی در همین راستا در ۱۸۸۰ با یکی از شهروندان بریتانیا به نام میشل قرارداد بست که فانوسهای دریایی در دریای سرخ و بخشی از خلیج فارس را نصب کند. در خلیج فارس، جزیره‌های فارور و ابوموسی نیز در این محدوده دیده می‌شدند. در پی آن، اتاق بازرگانی بریتانیا در دوم اوت ۱۸۸۱ در نامه‌ای به وزارت امور خارجه بریتانیا نوشت که جزیره ابوموسی ارتباطی به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و شیخ‌نشینهای آن ندارد و یکسره بیرون از قلمرو دولت عثمانی است. وزارت امور خارجه بریتانیا نیز بارها در نامه‌هایی به دولت عثمانی یادآور شد که جزیره ابوموسی از سرزمینهای مورد ادعای آن دولت بیرون است. (همان: ۹۹)

موقع ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک

جزیره‌های تنب و ابوموسی

چنان که گفته شد، کمابیش همه نفت صادراتی ایران از خلیج فارس و تنگه هرمز می‌گذرد و ۸۰ درصد بازرگانی خارجی ایران از این راه انجام می‌شود و از همین رو اهمیت جزیره‌های تنب و ابوموسی در زمینه آزادی کشتیرانی بین‌المللی و صدور نفت از ایران و بر سر هم بازرگانی خارجی ایران، انکار ناشدنی است و

○ ایران در دهانه تنگه هرمز چند جزیره استراتژیک دارد. در این میان شش جزیره یعنی هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی بهترین جایگاه ژئواستراتژیک را دارند و نخستین خط دفاعی قوسی ایران را در تنگه هرمز تشکیل می‌دهند. این خط دفاعی برای پاسداری از تنگه هرمز و کشتیرانی بین‌المللی اهمیت بسیار دارد و گویای اثرگذاری آتش جنگ‌افزارهای ایرانی در این منطقه خواهد بود.

خطوط کشتیرانی خود بودند؛ اما بریتانیا سخت با آنها مخالفت می‌ورزید و سراسر خلیج فارس را که به صورت دریاچه‌ای انگلیسی در آمده بود، در حوزه منافع حیاتی خود می‌شمرد. در پی گسترش فعالیت روسها و آلمانها در این منطقه، دولت بریتانیا به دو اقدام مهم دست زد. نخست در اعلامیه‌ای خلیج فارس را بخشی از منطقه نفوذ خود خواند و با این کار جلو نفوذ روسها را در خاور و آلمانها را در باختر خلیج فارس گرفت؛ دیگر اینکه آشکارا دستور اشغال جزیره‌های خلیج فارس را صادر کرد.

وزیر امور خارجه انگلیس در نامه مورخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۰ از لرد کرز نایب‌السلطنه هند خواست جزیره‌های ایرانی در تنگه هرمز مانند هنگام، هرمز، قشم، تنب و ابوموسی را اشغال کند و دلیل این کار را نیز کوشش روسها برای ایجاد پایگاه یا ایستگاه سوختگیری در بندر عباس عنوان کرد. اما در واقع، سلطه انگلیسیها بر جزیره‌های خلیج فارس تا ۱۹۷۱ و همزمان با فراخوانی نیروهایشان از خاور کانال سوئز و خلیج فارس ادامه داشت و در این سال بود که ایران بار دیگر حاکمیت خود را بر این سه جزیره اعمال کرد.

اسناد رسمی بریتانیا درباره جزیره‌ها

سرجان ملکم در گزارش به دربار فتحعلی شاه درباره مرزهای امپراتوری ایران که در ۱۸۱۳ منتشر شد، جزیره‌های تنب و ابوموسی را در شمار جزیره‌های زیر حاکمیت دولت ایران دانسته است. همچنین، کاپیتان جرج بارس بروکس، نماینده ویژه کمپانی هند شرقی در گزارش مورخ ۱۸۲۵ خود، از جزیره‌های تنب و ابوموسی بعنوان جزایر ایرانی نام برده است. (همان: ۹۷).

در گزارش کلنل کمبال، کارگزار بریتانیا در خلیج فارس در ۱۹۰۱ آمده است: جز پایگاه بندری باسعدو در جنوبی‌ترین بخش باختری جزیره قشم که در اشغال ماست، دیگر جزایر زیر حاکمیت ایران است. دولت عثمانی در سراسر سده ۱۹ همواره می‌کوشید کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و جزیره‌های آن و همچنین بحرین را از آن خود معرفی کند. از این رو در ۱۸۸۰ ادعا کرد که جزیره ابوموسی به شیوخ قاسمی شارجه و رأس‌الخیمه تعلق دارد؛ ولی دولت بریتانیا و

۵ تا ۱۰ متر است. از این رو، ژرفترین راههای کشتیرانی در درون آبهای سرزمینی ایران قرار می‌گیرد. این طرح دربرگیرنده دو خط رفت و برگشت يك طرفه به درازای ۵۰ مایل دریایی است. تنب بزرگ، تنب كوچك و فارور این دو خط را از یکدیگر جدا می‌کنند و به سخن دیگر، این جزیره‌ها در منطقه حایل قرار گرفته‌اند. خط شمالی که برای حرکت کشتیها از خاور به باختر در نظر گرفته شده، از يك مایلی شمال خاوری تنب بزرگ آغاز می‌شود و سپس از شمال تنب بزرگ، تنب كوچك و فارور می‌گذرد. خط جنوبی به حرکت کشتیها از باختر به خاور اختصاص دارد و از جنوب تنبها و فارور و از شمال جزیره‌های ابوموسی، سیری و بنی فارور می‌گذرد. (همان: ۵۶)

بر پایه اصل سوم مقررات ناظر به کشتیرانی بین‌المللی، دولت ایران حق دارد هزینه خدمات مخابراتی و نصب علائم ناوبری را دریافت کند. همچنین بر پایه اصل نخست همان مقررات، نظارت بر رفت و آمد کشتیها در چارچوب این طرح بر عهده دولت ایران است. (همان: ۵۶)

از سوی دیگر، تنب بزرگ، تنب كوچك و ابوموسی دامنه حاکمیت ایران در خلیج فارس را گسترش داده‌اند. ماده ۵ «قانون حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران» در ۱۳۱۳ خ و متمم آن در ۱۳۳۸ خ مقرر می‌دارد «هر جزیره متعلق به ایران اعم از اینکه داخل دریای ساحلی یا خارج از آن باشد دارای دریای ساحلی مخصوص به خود طبق این قانون می‌باشد. جزایری که با فاصله کمتر از ۱۲ مایل از هم واقعند مجموعاً در حکم جزیره واحدی بوده و حد دریای ساحلی آن از جزایری محسوب می‌گردد که نسبت به مرکز مجمع‌الجزایر از هم دورترند.» (همان: ۵۸)

بر پایه ماده ۶ همان قانون، آبهای واقع میان کرانه‌های کشور، خط مبدأ، و همچنین آبهای واقع میان جزیره‌های ایران که دوری آنها از یکدیگر از ۱۲ مایل دریایی بیشتر باشد، آبهای داخلی کشور شمرده می‌شود. از آنجا که هر يك از جزیره‌های تنب بزرگ، تنب كوچك، ابوموسی و سیری دارای ۱۲ مایل دریایی سرزمینی از خط مرزی خود هستند و نیز با توجه به اینکه فاصله جزیره‌های یاد شده از یکدیگر کمتر از حداقل فاصله مورد نیاز برای دریای سرزمینی دو جزیره مجاور هم

کنترل آنها از سوی دولت ایران در راستای تضمین آزادی کشتیرانی بین‌المللی، پشتیبانی از منافع ملی ایران و کشورهای خلیج فارس است. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۵۶)

این جزیره‌ها در ژرف‌ترین بخشهای خلیج فارس در داخل دو کریدور رفت و برگشت و طرح جداسازی رفت و آمد بین‌المللی کشتیها قرار گرفته و از همین رو موقع ژئوپلیتیکی و اهمیت استراتژیک ویژه یافته است. بخش بزرگی از نفت خام مورد نیاز جهان از میان این جزیره‌ها می‌گذرد: کشتیها پس از رسیدن به خلیج فارس از بالای جزایر تنب می‌گذرند و به هنگام بازگشت از میان جزیره‌های تنب و ابوموسی. هر چند دقیقه يك نفتکش از کنار این جزیره‌ها می‌گذرد و اگر به این رقم کشتیهای بازرگانی نیز افزوده شود، فشردگی رفت و آمد میان این جزیره‌ها به خوبی روشن می‌شود. (همان: ۵۶)

طرح جدا کردن مسیر رفت و آمد کشتیها در این منطقه به طرح تنب-فارور معروف است. این طرح یکسره در دریای سرزمینی ایران قرار دارد زیرا ژرفای آب در کرانه‌های ایران ۴۰ تا ۷۳ متر است ولی کرانه‌های جنوبی و جنوب خاوری و رأس خلیج فارس

○ جزیره‌های سه‌گانه تنها برای ایران دارای ارزش ژئواستراتژیک شمرده می‌شوند و برای امارات عربی متحده چنین ارزشی ندارند. یکی از انگیزه‌های امارات عربی متحده در بازگویی ادعاهای بی‌پایه، آن است که این جزیره‌ها در دست ایران نباشد تا بتوانند در زنجیره دفاعی ایران در تنگه هرمز رخنه کنند. برای امارات عربی متحده ارزش ژئواستراتژیک این جزیره‌ها تنها آن است که با توجه به ضعف سیاسی، نظامی و بی‌ثباتی وضع خود، امنیت تنگه هرمز را به خطر اندازد و امنیت و منافع ملی ایران را تهدید کند.

○ خط دوم دفاعی ایران در خلیج فارس را پایگاههای نظامی بوشهر، بندرعباس و چابهار تشکیل می دهد. گذشته از اینکه این پایگاهها پشتوانه‌ای برای حمایت از جزیره‌ها در تنگه هرمز هستند، جزیره‌های یاد شده نیز به صورت پایگاههای مقاوم آفندی و پدافندی عمل می کنند.

پاسداری از این جزیره‌ها به معنای پاسداری از بندرعباس است و پاسداری از بندرعباس پاسداری از امنیت ایران شمرده می شود. بندرعباس دهلیز جنوبی فلات ایران و مسیر بندرعباس - کرمان یکی از مهمترین راههای ارتباطی به درون فلات ایران است.

جزیره‌های تنب و ابوموسی ندارد، بویژه که این جزیره‌ها تا اندازه‌ای از دهانه تنگه هرمز دورند و نقششان در کنترل تنگه هرمز چندان چشمگیر نیست، زیرا جزیره ابوموسی ۱۶۰ کیلومتر تا تنگه هرمز فاصله دارد.

جزیره‌های تنب و ابوموسی ارزش ژئواستراتژیک ویژه‌ای ندارند، بلکه چون در خط قوسی دفاعی ایران قرار می گیرند از اهمیت برخوردارند. تنب بزرگ به علت شکل دادن به بخشی از خط دفاعی ایران در تنگه هرمز دارای اهمیت ژئواستراتژیک است. تنب کوچک نیز که در چند مایلی جنوب خاوری تنب بزرگ واقع شده است پشتوانه‌ای برای تنب بزرگ در خط دفاعی ایران به شمار می رود. جزیره ابوموسی نیز غربی ترین جزیره از جزایر ۶ گانه و جنوبی ترین نقطه خط دفاعی ایران است. (همان: ۶۰)

بدین سان، جزیره‌های سه گانه تنها برای ایران دارای ارزش ژئواستراتژیک شمرده می شوند و برای امارات عربی متحده چنین ارزشی ندارند. یکی از انگیزه‌های امارات عربی متحده در بازگویی ادعاهای بی پایه، آن است که این جزیره‌ها در دست ایران نباشد تا بتوانند در

یعنی ۲۴ مایل است، بنابراین آبهای میان این جزیره‌ها آبهای داخلی ایران شمرده می شود. (همان: ۵۸)

بدین سان، حد آبهای داخلی ایران از باختر تنگه استراتژیک هرمز تا جزیره ابوموسی کشیده می شود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه جزیره ابوموسی دارای ۱۲ مایل دریای سرزمینی است، بنابراین آبهای زیر حاکمیت ایران از کرانه‌های کشور تا ۱۲ مایلی جنوب جزیره ابوموسی است. همچنین، با در نظر گرفتن ۱۲ مایل منطقه نظارت برای جزیره ابوموسی، افزون بر ۱۲ مایل دریای سرزمینی، حاکمیت ایران از کرانه‌های کشور تا ۲۴ مایلی جنوب جزیره ابوموسی گسترش می یابد. (همان: ۵۸)

ایران در دریای سرزمینی خود حاکمیت تام و انحصاری دارد، زیرا دریای سرزمینی بخشی از سرزمین اصلی کشور شمرده می شود که در آنها ادامه یافته است. حاکمیت ایران در دریای سرزمینی سطح آب، بستر، زیربستر و فضای بالای آنرا در بر می گیرد. در دریای سرزمینی، کشتیها از حق گذر بی زیان برخوردارند ولی باید قوانین ایران را بر پایه اصول حقوق بین المللی دریاها رعایت کنند. البته گذر بی زیان، پرواز از فضای بالای دریای سرزمینی را در بر نمی گیرد. بر پایه قانون ایران (۲۰ آوریل ۱۹۹۳)، کشتیهای جنگی و زیر دریایی‌ها برای ورود به دریای سرزمینی ایران باید اجازه بگیرند و هدف از برقراری این ضابطه، تأمین امنیت کرانه‌ها، بندرها و جزیره‌های ایران در خلیج فارس بوده است. (همان: ۵۹)

نقش ژئواستراتژیک جزیره‌های تنب و ابوموسی

ایران در دهانه تنگه هرمز چند جزیره استراتژیک دارد. در این میان شش جزیره یعنی هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی بهترین جایگاه ژئواستراتژیک را دارند و نخستین خط دفاعی قوسی ایران را در تنگه هرمز تشکیل می دهند. این خط دفاعی برای پاسداری از تنگه هرمز و کشتیرانی بین المللی اهمیت بسیار دارد و گویای اثرگذاری آتش جنگ افزارهای ایرانی در این منطقه خواهد بود. (همان: ۶۰)

گفته می شود که ایران با در دست داشتن چند جزیره استراتژیک در دهانه تنگه هرمز، نیازی به کنترل

این گلوگاه را در دست بگیرند. (همان: ۶۱)
خط دوم دفاعی ایران در خلیج فارس راپایگاههای نظامی بوشهر، بندرعباس و چابهار تشکیل می‌دهد. گذشته از اینکه این پایگاهها پشتوانه‌ای برای حمایت از جزیره‌ها در تنگه هرمز هستند، جزیره‌های یاد شده نیز به صورت پایگاههای مقاوم آفندی و پدافندی عمل می‌کنند. (همان: ۶۱)

پاسداری از این جزیره‌ها به معنای پاسداری از بندرعباس است و پاسداری از بندرعباس پاسداری از امنیت ایران شمرده می‌شود. بندرعباس دهلیز جنوبی فلات ایران و مسیر بندرعباس - کرمان یکی از مهمترین راههای ارتباطی به درون فلات ایران است. (همان: ۶۲)

ارزش اقتصادی جزیره‌ها:

در میان این سه جزیره، ابوموسی دارای مواد معدنی است. این جزیره معادن اکسید آهن (خاک سرخ) دارد که بهره‌برداری از آن نزدیک به ۱۵۰ سال پیش از سوی ایرانیها و بیگانگان آغاز شده است. (اسدی، ۱۳۸۱: ۱۸۶) نخستین امتیاز استخراج این معادن به یکی از مردمان بندر لنگه از سوی شیخ قاسمی (حاکم بر بندر لنگه) در برابر دریافت سالانه ۱۵۰ لیره از صاحب امتیاز، داده شد. سپس امتیاز بهره‌برداری از اکسید آهن ابوموسی در ۱۸۸۷ از سوی شاه ایران به یکی از اهالی بوشهر رسید. گفته می‌شود که شاه این امتیاز را در برابر دریافت مبلغ کلانی به آن شخص داده بود. در آن هنگام سالانه نزدیک به ۴۰ هزار کیسه اکسید آهن از آن معادن استخراج می‌شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۴۰)

امتیاز بهره‌برداری از معادن آهن ابوموسی در سالهای میانی سده بیستم به کمپانی آلمانی ونکهاوس داده شد. سپس این امتیاز به شرکت انگلیسی (گلدن ولی کالر) رسید و دیری نگذشت که ژاپنیها نیز وارد میدان شدند. همه این امتیازها از سوی شیخ شارجه به این شرکتها داده می‌شد که پس از آذر ۱۳۵۰ و برقراری دوباره حاکمیت ایران بر جزیره‌ها، به تأیید دولت ایران نیز رسید. (همان: ۴۱)

انباره‌های نفت ابوموسی نیز که از بهترین انواع نفت خلیج فارس است در میدان مبارک در آبهای خاوری جزیره قرار دارد. میدان مبارک دربرگیرنده سه چاه نفتی است و امتیاز بهره‌برداری از آنرا پیش از ۱۳۵۰، شارجه

○ زندگی اقتصادی ایران با جمعیت بیش از ۷۰ میلیون تن، بر استخراج نفت و گاز و فروش آن از راه خلیج فارس استوار است. بنابراین انرژی، امنیت و بازرگانی دریایی از راه خلیج فارس و تنگه هرمز، عناصر اصلی سیاست خارجی ایران است و این منطقه به علت حجم ۸۰ درصدی صادرات و واردات از آن، در کنار تهران و خوزستان از مناطق استراتژیک کشور شمرده می‌شود.

گذشته از اهمیت اقتصادی، تنگه هرمز از ارزشهای ارتباطی، نظامی و ژئوپلیتیکی ویژه برخوردار است.

زنجیره دفاعی ایران در تنگه هرمز رخنه کنند. برای امارات عربی متحده ارزش ژئواستراتژیک این جزیره‌ها تنها آن است که با توجه به ضعف سیاسی، نظامی و بی‌ثباتی وضع خود، امنیت تنگه هرمز را به خطر اندازد و امنیت و منافع ملی ایران را تهدید کند. جزیره‌های ایرانی در تنگه هرمز حتا آنهایی که چند کیلومتر مربع بیشتر وسعت ندارند، مکانهایی بالقوه مهم از نظر استقرار تجهیزات نظامی چه از سوی ایران و چه بر ضد ایران هستند. این جزیره‌ها فراهم آورنده صحنه مناسب برای عملیات دریایی در پهنه خلیج فارس برای ایران و نیز سکوهای دیده‌بانی و کنترل کرانه‌های خلیج فارس به‌شمار می‌روند. (همان: ۶۱)

هر يك از این جزیره‌ها را می‌توان با ایجاد و تقویت سیستم رادارهای هشدار دهنده، گسترش باند فرودگاههای آنها و برقرار کردن سیستمهای پروازی و مراقبت هوایی، مانند يك ناو هوایمابر ثابت و غرق نشدنی در پدافند خلیج فارس و دریای عمان به کار گرفت. جزیره‌های تنب و ابوموسی با توجه به اشراف نسبی آنها بر تنگه هرمز یا گلوگاه منطقه استراتژیک خلیج فارس، می‌توانند در صورت نیاز با جنگ افزارهای مستقر در خود مانند پنجه نیرومندی

هرمز، لارك، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی از جایگاه ژئواستراتژیک ویژه برای پاسداری از این منطقه استراتژیک برخوردارند و نخستین خط دفاعی قوسی ایران را در تنگه هرمز می‌سازند. تنب کوچک نیز گذشته از ارزش اقتصادی و توریستی، پشتوانه‌ای برای تنب بزرگ در خط دفاعی ایران شمرده می‌شود. از سوی دیگر، قرار گرفتن جزیره‌های سه‌گانه در میان دو مسیر رفت و برگشت کشتی‌های گوناگون در خلیج فارس بر اهمیت این جزیره‌ها افزوده است و نگهداری و پاسداری از آنها، در برنامه‌های نظامی و سیاست خارجی کشور از اولویت برخوردار است. با توجه به ضعف نظامی کشورهای منطقه، در حقیقت تشتهای سیاسی میان ایران و برخی از کشورهای منطقه، تا اندازه زیادی از چگونگی روابط ایران با کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا مایه می‌گیرد. ادعای بی‌پایه امارات عربی متحده درباره سه جزیره، به کار گرفتن نام ساختگی برای خلیج فارس، برگزاری رزمایشهای گوناگون در منطقه و... تنها ناشی از تضاد ایدئولوژیک میان ایران و ایالات متحده آمریکا است که در کنار صحنه‌هایی چون لبنان، عراق و... در منطقه خلیج فارس نیز بدین سان نمود می‌یابد.

منابع:

۱. اسدی، بیژن، (۱۳۸۱) خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام، تهران.
۲. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۴) جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک، تهران.
۳. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶) نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و بوموسی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۵) جغرافیای نظامی ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۵. عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک، تهران.
۶. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران.
۷. مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، خلیج فارس، کشورها و مرزها، تهران، عطایی.

به شرکت نفت و گاز بیوتس داده بود که پس از آن تاریخ به تأیید دولت ایران نیز رسید و قرار شد در آمد نفت ابوموسی به گونه برابر میان ایران و شارجه تقسیم شود. (همان: ۴۱)

همچنین این جزیره دارای ژرفای مناسب برای صید ماهیهای بسیار خوب و حتا گسترش صنعت شیلات است، به گونه‌ای که می‌توان با ساخت کارخانه و سردخانه، فرآورده‌های شیلاتی تولید کرد؛ کاری که اکنون با ایجاد یک سردخانه بزرگ در جزیره دنبال شده است.

جزیره ابوموسی کرانه‌های بسیار زیبایی دارد که برای صنعت توریسم مناسب است. آب در کنار بخشهایی از جزیره بسیار زلال است، به گونه‌ای که تا ژرفای ۱۰ متری را می‌توان دید. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۶۲). آب در این بخشها دارای ماهیهای رنگارنگی است و مانند یک آکواریوم به نظر می‌رسد.

بهره سخن:

زندگی اقتصادی ایران با جمعیت بیش از ۷۰ میلیون تن، بر استخراج نفت و گاز و فروش آن از راه خلیج فارس استوار است. بنابراین انرژی، امنیت و بازرگانی دریایی از راه خلیج فارس و تنگه هرمز، عناصر اصلی سیاست خارجی ایران است و این منطقه به علت حجم ۸۰ درصدی صادرات و واردات از آن، در کنار تهران و خوزستان از مناطق استراتژیک کشور شمرده می‌شود.

گذشته از اهمیت اقتصادی، تنگه هرمز از ارزشهای ارتباطی، نظامی و ژئوپلیتیکی ویژه برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیرون رفتن ایران از اردوگاه سیاسی-نظامی غرب، این تنگه به مناطق بحرانی جهان پیوسته است. به ادعای کشورهای غربی، امنیت تنگه هرمز تنها با کمک کشورهای ضعیف و همپیمان غرب در منطقه نمی‌توان تأمین کرد و از همین رو حضور مستقیم نیروهای دریایی آمریکا در آنجا ضرورت دارد. در میان جزیره‌های پرشمار ایران در خلیج فارس،